

# ریشه‌های مسأله‌ی کشمیر و چشم‌انداز آینده

علی کوثری<sup>۱</sup>

الف) تاریخچه‌ی کشمیر

تاریخ کشمیر به حدود چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. ۲۱ سلسله‌ی هندو، بودایی و غیره تا قرن چهارده میلادی بر کشمیر حکومت کرده‌اند. مسلمانان مدت ۴۷۹ سال بر کشمیر حکومت داشتند که ۲۷۹ سال از این دوره را کشمیر دارای استقلال بود. در سال ۱۵۷۹ میلادی اکبر، پادشاه مغولی هند منطقه را ضمیمه‌ی امپراتوری خود نمود. با سقوط امپراتوری مغولی هند، کشمیر به مدت ۶۷ سال (۱۸۱۹-۱۷۵۲) تحت تسلط افغان‌ها قرار گرفت. بعد از افغانه نوبت به سیک‌ها رسید و کشمیر به مدت ۲۷ سال تحت سلطه‌ی سیک‌ها قرار گرفت. جنگ سیک‌ها با انگلیس که در ۱۰ فوریه‌ی ۱۸۴۶ شروع شد، براساس موافقتنامه‌ی لاهور منعقد در ۹ مارس ۱۸۴۶ به پایان رسید. انگلیسی‌ها به تدریج بر سراسر هند مسلط شدند. در این موافقتنامه، حاکمیت مستقل راجا گلاب سینگ بر منطقه (دره‌ها) شناخته شد و مقرر گردید که موافقتنامه‌ی دیگری در این زمینه تنظیم شود و لذا در ۱۶ مارس ۱۸۴۶ چنین موافقتنامه‌ی توسط کمپانی هند شرقی تنظیم شد. طبق آن انگلیس کشمیر را به مبلغ ۷/۵ میلیون روپیه به گلاب سینگ فروخت و این فرد به عنوان مهاراجه‌ی جامو و کشمیر

۱. علی کوثری، کارشناس دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

شناخته شد. بر طبق همین موافقتنامه، مهاراجه متعهد شد که هرگونه اختلافی را که میان جامو و کشمیر و همسایگان او به وجود آید، به انگلیس ارجاع داده و هرگونه تصمیمی که اتخاذ گردد برای مهاراجه و جانشینانش الزام‌آور خواهد بود. مهاراجه بدون رضایت انگلیس نمی‌توانست هیچ فرد انگلیسی، اروپایی و یا امریکایی را به استخدام خود درآورد. طبق این موافقتنامه انگلیس قول داد به مهاراجه جهت حفظ سرزمینش از تجاوز خارجی کمک نماید.<sup>(۱)</sup> این موافقتنامه که موافقتنامه‌ی امرتیسر نامیده می‌شد بعدها از طرف گروهی از مردم کشمیر مورد مخالفت قرار گرفت و به ابزاری در دست مردم - که اکثریت آن مسلمانان بودند - در مبارزه علیه مهاراجه تبدیل گردید. این درگیری‌ها به خصوص در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ به اوج خود رسید. کشمیر در اگوست ۱۹۴۷ با تقاضای مهاراجه به هند ملحق شد.

#### ب) ریشه‌های مشکل کشمیر

قبل از استقلال هند و ایجاد پاکستان در سال ۱۹۴۷ حدود ۶۰۰ ایالت کوچک و بزرگ در هند انگلیس وجود داشت در رابطه با کیفیت اداره‌ی آتی ایالات بعد از خروج انگلیس از شبه قاره، اختلاف نظرهایی میان حزب مسلم لیگ (نمایندگی اکثریت مسلمانان) و حزب کنگره (نمایندگی اکثریت هندوها) وجود داشت. جواهر لعل نهرو معتقد بود که هیچ کدام از ایالات در آینده نباید به طور مستقل به حاکمیت خود ادامه دهند و باید به هند و یا پاکستان بپیوندند. این نظر مورد موافقت محمدعلی جناح، قائد اعظم پاکستان نبود. جناح رهبر حزب مسلم لیگ معتقد بود که هریک از ایالات دارای حق حاکمیت هستند. مواد قانون استقلال هند<sup>۱</sup> که در تاریخ ۱۶ ژوئیه‌ی ۱۹۴۷ به تصویب پارلمان انگلیس رسید، خیلی در این زمینه روشن نبود. در این قانون فقط لغو برتری انگلیس بر شبه قاره‌ی جنوب آسیا در تاریخ ۱۵ اگوست ۱۹۴۷ هم چنین به خاتمه‌ی اعتبار موافقتنامه‌ها، قراردادهای و تعهدات اشاره شده بود. لرد مونت باتن به ایالات توصیه می‌نمود که به هند یا پاکستان بپیوندند. هم‌چنین به ایالات

1. Indian Independence ACT

تأکید شد که دولت انگلیس، استقلال آنها را نخواهد پذیرفت و چاره‌ی جز پیوستن به هند و یا پاکستان ندارند. لرد مونت‌باتن این نکته را نیز روشن ساخت که موقعیت جغرافیایی و منافع گروهی عواملی هستند که باید از طرف حکمرانان ایالات جهت الحاق در نظر گرفته شوند. از طرف مونت‌باتن هم‌چنین به حکمرانان ایالات توصیه شد که براساس موضوع‌هایی چون دفاع ارتباطات و امور خارجی به هند و یا پاکستان ملحق شوند در غیر این صورت ممکن است از منابع تأمین سلاح‌های مدرن محروم گردند. در دهه‌ی ۴۰ که موضوع استقلال هند و تأسیس پاکستان و خروج انگلیس از شبه قاره مطرح بود، فرمانروای کشمیر هندو بود ولی اکثریت جمعیت این منطقه حدود ۷۸/۱ درصد مسلمان بودند.<sup>(۲)</sup>

در ژوئن ۱۹۴۷ میان مردم منطقه پونج و نیروهای مهاراجه کشمیر به دلیل نپرداختن مالیات از طرف مردم درگیری‌هایی به وجود آمد. در این میان تعدادی از احزاب کشمیری از جمله کنفرانس دهقانان و کارگران حزب سوسیالیست و حزب کنفرانس سراسری مسلمانان جامو و کشمیر علاقه‌مند به پیوستن به پاکستان بودند. در ۱۹ ژوئیه‌ی ۱۹۴۷ حزب کنفرانس مسلمانان در قطعنامه‌ی خواستار الحاق کشمیر به پاکستان گردید. در این میان مهاراجه‌ی کشمیر به پاکستان و هند پیشنهاد امضای قرارداد مربوط به توقف اقدامات در کشمیر<sup>۱</sup> را نمود و پاکستان آن را پذیرفت ولی هند نه پیشنهاد را پذیرفت و نه آن را رد کرد. در پونج درگیری‌های مسلحانه میان مردم و نیروهای مهاراجه تشدید شد و حکومت نظامی برقرار گردید و در نتیجه مناطقی مانند پونج - مظفرآباد - برامول و بهیمیر و کوتلی به کنترل مردم درآمد و این وضعیت باعث آغاز تشکیل حکومت آزاد کشمیر در مظفرآباد گردید. ادامه‌ی درگیری‌ها و کشته شدن مسلمانان باعث شد تا گروه‌هایی از مردم و قبایل ایالت سرحد شمال غربی از مرز کشمیر گذشته و به کشمیری‌های در نبرد علیه مهاراجه پیوندند. در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۷ مهاراجه تقاضای الحاق به هند را نمود و خواستار کمک نظامی گردید. در ۲۶ اکتبر ۱۹۴۷ مهاراجه سند الحاق کشمیر به هند را امضا نمود و در ۲۷ اکتبر هند آن را پذیرفت و نیروهای نظامی به

---

1. Standstill Agreement

کشمیر اعزام کرد.

بعد از الحاق جامو و کشمیر به هند، نهرو تلگرافی به اتلی نخست وزیر انگلیس مخابره نمود و او را از اوضاع و خیم کشمیر و این که هند، به دلیل تعهدی که نسبت به حفظ منافع ملی خود دارد اجباراً به کشمیر کمک نظامی نموده، مطلع ساخت. (۳) نهرو تلگراف دیگری به لیاقت علی خان نخست وزیر وقت پاکستان مخابره نموده که در آن به این نکته اشاره شده بود که الحاق کشمیر مربوط به مردم ایالت و تصمیم آنهاست. حکومت هند هیچ علاقه‌ی به تحمیل تصمیمی بر مردم کشمیر ندارد و نظر مردم را خواهد پذیرفت اما چنین امری بعد از برقراری صلح و نظم و قانون می‌تواند به دست آید. نهرو از پاکستان خواسته بود تا مهاجمین را که از پاکستان وارد کشمیر شده‌اند بازگرداند. (۴)

نخست وزیر پاکستان در ۲۸ اکتبر در بخشی از پاسخی که برای نخست وزیر هند فرستاد گفت... مردم مسلمان پونج مورد حمله قرار گرفتند و مسلمانان جامو به وسیله‌ی افرادی که از طرف نیروهای حکومت کشمیر هدایت می‌شدند، قتل عام شدند. اقدام اعزام نیرو به کشمیر به بهانه‌ی الحاق، امور را بی‌اندازه بدتر نموده است. همه‌ی منطقه‌ی ایالت مرزی (سرحد شمال غربی) دچار هیجان می‌باشد و احساسات خشم در میان قبایل روبه افزایش و مسؤولیت آنچه اتفاق می‌افتد با آنهاست. (۵)

نخست وزیر پاکستان الحاق کشمیر به هند را سیاستی از پیش تعیین شده خواند. (۶) پاکستان به این نکته اشاره کرد که الحاق کشمیر به هند براساس تقلب و خشونت بوده و نمی‌تواند به رسمیت شناخته شود.

این موضوع باعث ایجاد مشکل میان هند و پاکستان شد. هند، پاکستان را متهم به عملیات نظامی و یا حمایت از گروه‌ها می‌نمود و پاکستان هند را متهم می‌کرد که کشمیر را با زور به این کشور ملحق نموده است. تلاش‌ها و اقدام‌هایی که طی ماه‌های آخر سال ۱۹۴۷ به عمل آمد به جایی نرسید. در بخش غربی، ایالت گیلگیت - سرات - دیو و چترال تحت کنترل هند واقع شد و موضوع کشمیر برای دهه‌های بعد به مهم‌ترین مشکل میان هند و پاکستان

تبدیل شد.

### ج) مسأله‌ی کشمیر و جنگ‌های هند و پاکستان

در نیمه‌ی دوم جنگ سال ۱۹۴۸ درگیری‌ها در کشمیر ادامه یافت. میان گروه‌هایی از کشمیری‌ها که اکنون مناطقی را در اختیار داشتند و نیروهای قبایلی که هند معتقد بود پاکستان آنها را در عمل اعزام نموده و پاکستان می‌گفت افراد قبایل خود به حمایت از کشمیری‌ها به خاک آنها رفته‌اند از یک طرف و نیروهای هندی که در اکتبر ۱۹۴۷ بعد از الحاق کشمیر به هند، وارد سرینگر و نقاطی از کشمیر شده بودند، منازعاتی روی می‌داد. نیروهای پاکستانی در ماه مه ۱۹۴۸ به حمایت از نیروهای قبایل و به منظور جلوگیری از پیشرفت بیشتر ارتش هند که نقاطی را از نیروهای کشمیری و قبایل پس گرفته بود و مظفر آباد مرکز حکومت جدید آزاد کشمیر که مورد تهدید بود، وارد نبرد شد. این اولین نبرد محدود میان دو کشور جدید در کشمیر بود. جنگ، مدتی تقریباً طولانی ادامه یافت. در ۱۳ آگوست کمیسیون سازمان ملل برای هند و پاکستان قطعنامه‌یی به تصویب رساند که در آن خواسته شده بود دو کشور ترتیبات آتش‌بس را که از طرف ناظران نظامی سازمان ملل مورد نظارت قرار بگیرد، بپذیرند. ولی این ترتیبات به دلیل نظرهای طرفین در عمل تا ژانویه‌ی ۱۹۴۹ به تأخیر افتاد. در این قطعنامه هم چنین گفته شد که آینده‌ی ایالت جامو و کشمیر طبق آمال مردم تعیین خواهد شد.

### جنگ ۱۹۶۵

بین سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۵، اختلاف‌ها و بحث‌ها و بعضی درگیری‌های مرزی میان پاکستان و هند در رابطه با کشمیر ادامه یافت از جمله در سال ۱۹۶۳ به دنبال مفقود شدن یک اثر مقدس مسلمانان از مسجدی در سرینگر و با شروع تظاهرات در کشمیر علیه این عمل، روابط دو کشور بار دیگر کم و بیش تحت تأثیر این امر قرار گرفت و موضوع در شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد بررسی قرار گرفت و شورای مذکور از هر دو کشور هند و پاکستان

خواست، مشکل را از طریق مذاکرات مستقیم حل و فصل کنند.

مورد دیگری که حساسیت پاکستان را برانگیخت اعلامیه‌ی هند بود مبنی بر این که مفاد مواد ۳۵۶ و ۳۵۷ قانون اساسی هند در مورد کشمیر قابل اجرا خواهد بود. این اقدام موقعیت ویژه‌ی را که کشمیر براساس ماده‌ی ۳۷۰ قانون اساسی هند دارا بود از بین می‌برد. پاکستانی‌ها این اقدام را به عنوان دلیلی بر خیانت هند نسبت به تفاهم شاستری نخست وزیر وقت هند و ایوب خان رییس جمهوری وقت پاکستان در ملاقات اکتبر ۱۹۶۴ مبنی بر این که مسأله‌ی کشمیر برای مدتی کنار گذاشته شود، تلقی کردند.<sup>(۷)</sup>

در آوریل ۱۹۶۵ مجلس کشمیر لایحه‌ی را به تصویب رساند که براساس آن عنوان رییس کشور در کشمیر به استاندار و عنوان نخست وزیر کشمیر به سر وزیر ایالتی تبدیل شد. در ضمن از اوایل سال ۱۹۶۵ درگیری‌های مرزی تا حدی افزایش یافت و شدیدترین این درگیری‌ها در ۹ آوریل ۱۹۶۲ در منطقه‌ی کوچ<sup>۱</sup> شروع شد و هر طرف، دیگری را محرک وقوع حادثه دانست.

این درگیری با میانجیگری هارولد ویلسون نخست وزیر وقت انگلیس پایان یافت ولی اختلاف به جای خود باقی ماند.

در ماه مه ۱۹۶۵ به دنبال دستگیری شیخ عبدالله در کشمیر، تظاهرات طرفداران وی به تدریج تبدیل به یک مقاومت مسلحانه شد و در ۹ اگوست یک رادیو به نام صدای کشمیر<sup>(۸)</sup> اعلام کرد که یک شورای انقلابی به منظور جنگ آزادیبخش علیه هند تشکیل شده است به نظر می‌رسید که در همین زمان پاکستان نیز تصمیم گرفته بود که در سطح گسترده‌ی به رشد یک جنبش چریکی ضد هند کمک کند.<sup>(۹)</sup> عواملی که در اتخاذ چنین تصمیمی مؤثر بوده است را صاحب نظران پاکستان چنین بر شمرده‌اند.

۱. این که سازمان ملل قادر به حل مسأله نیست.

۲. حجم عظیم کمک‌های نظامی که بعد از جنگ هند و چین در سال ۱۹۶۲ به هند شد.

1. Kutch

۳. رشد روابط دوستانه میان چین و پاکستان به نحوی که باعث شد شوروی روش محتاطانه‌تری نسبت به منازعه پاکستان و هند در پیش گیرد و بیان این نکته از طرف هند که کشمیر بخش داخلی هند شده است.<sup>(۱۰)</sup>

طبق گفته‌ی یک ژنرال هندی<sup>(۱۱)</sup> چریک‌های آموزش دیده تحت عنوان عملیات جبل الطارق<sup>۱</sup> با هدف ایجاد تشکل سیاسی و کمک به کشمیری‌ها به منظور قیام و شورش علیه حکومت خود به کشمیر هند فرستاده شدند.

پاسخ اولیه‌ی هند، بستن جاده‌های نفوذی این گروه‌ها از طریق اشغال پست‌هایی در کنار خط آتش‌بس و حملات متقابل بود. در این میان نیروهای آزاد کشمیر با حمایت نیروهای پاکستان در اول سپتامبر ۱۹۶۵ به طرف آخنور<sup>۲</sup> در منطقه‌ی چام جوران<sup>۳</sup> به پیش رفتند و در ۶ سپتامبر ۱۹۶۵ جنگ میان دو کشور شروع شد. این جنگ به مدت ۱۷ روز طول کشید و چند ماه بعد از آتش‌بس، موافقتنامه‌ی تاشکند بین دو کشور به امضا رسید.

## جنگ ۱۹۷۱

اگرچه جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱ به دلیل بحران پاکستان شرقی (بنگلادش هند) بود ولی به گفته‌ی صاحب‌نظران پاکستانی در این جنگ، هند بخشی از خاک آزاد کشمیر را در منطقه‌ی خط آتش‌بس به تصرف خود در آورد و بعداً از طریق موافقتنامه‌ی سیملا که در سال ۱۹۷۲ میان دو کشور به امضا رسید، اقدام هند پوشش قانونی به خود گرفت. یکی از مواد موافقتنامه‌ی سیملا در ارتباط با کشمیر می‌باشد. بر طبق این ماده خط کنترل که نتیجه‌ی آتش‌بس دسامبر ۱۹۷۱ می‌باشد از هر دو طرف رعایت خواهد شد.

به عبارت دیگر خط آتش‌بس قبلی در کشمیر به خط کنترل براساس آتش‌بس جنگ

- 
1. Gibraltar
  2. Akhnur
  3. Chhamb Jauran

دسامبر ۱۹۷۱ میان دو کشور تبدیل شد. علاوه بر این در موافقتنامه‌ی سیمل‌اصول تماس‌های دوجانبه که برپایه‌ی آن دو طرف باید از طریق مذاکرات دوجانبه اختلاف‌های موجود میان خود را حل کنند، گنجانده شد.

#### د) دلایل پاکستان و هند برای دیدگاه‌های خود

##### پاکستان

در مورد کشمیر براین اساس که مناطقی که اکثریت جمعیت آنها مسلمان هستند باید بخشی از پاکستان شوند، عمل نشده است. از کل جمعیت کشمیر در دهه‌ی ۴۰، ۷۷ درصد مسلمان بوده‌اند.

- جامو و کشمیر از نظر جغرافیایی به پاکستان متصل می‌باشد. ارتباط این منطقه به جهان خارج نیز از طریق جاده‌ی دره‌ی جهلم بوده است که در خاک پاکستان قرار دارد، علاوه بر آن ارتباط این منطقه با خارج از طریق راه‌آهن نیز از خاک پاکستان می‌گذشت.

- از نظر اقتصادی نیز برای کالاهای اساسی مانند نمک - شکر - بنزین و بعضی دیگر کالاها متکی به پاکستان است.

- سیستم ارتباطاتی کشمیر نیز از طریق پاکستان می‌گذرد. سیستم پست و تلگراف منطقه به وسیله‌ی پاکستان اداره می‌شود.

فرهنگ کشمیر و یا دست‌کم بخش‌هایی از آن شبیه به پنجاب غربی است که ملحق به پاکستان شد.

- از نظر اقتصادی آب رودخانه‌های سند، جهلم و جناب که از سرزمین کشمیر سرچشمه می‌گیرد، برای کشاورزی پاکستان اهمیت اساسی دارد و اگر کشمیر به هند ملحق شود، همین وضعیت برای سه رودخانه دیگر خواهد بود و نه تنها آب رودخانه‌هایی که از هند سرچشمه گرفته و به خاک پاکستان وارد می‌شود بلکه آب رودخانه‌هایی که از کشمیر نیز سرچشمه می‌گیرد و به خاک پاکستان سرازیر می‌شود نیز در چنین صورتی در کنترل هند قرار



خواهد گرفت.

نخست وزیر پاکستان در سال ۱۹۵۱ در مورد اهمیت راهبردی کشمیر برای پاکستان گفت: «کشمیر بسیار مهم و برای پاکستان دارای اهمیت است. برای هند موردی است که شما ممکن است آن را امری تجملی بخوانید، برای ما ضرورت اساسی جهت ادامه‌ی حیات مان است. همان طوری که در نقشه می‌بینید کشمیر مانند کلاهی بر سر پاکستان است. اگر من اجازه دهم که هند این کلاه را بر سر ما بگذارد لذا من همیشه باید مرهون لطف هند باشم... موقعیت راهبردی کشمیر به نحوی است که پاکستان نمی‌تواند از خود در مقابل یک حکومت بی‌پروا که ممکن است در هند بر سرکار آید، دفاع کند و لذا ایثارگری میلیون‌ها نفر مردم بی‌هوده خواهد شد.

- الحاق به کشمیر از نظر قانونی بی‌ارزش می‌باشد. زیرا خلاف قرارداد مربوط به توقف اقدامات می‌باشد که جامو و کشمیر در ۱۲ آگوست ۱۹۴۷ با پاکستان امضا نموده است.

#### هند

ارتباط تاریخی و فرهنگی میان این ایالت و هند وجود دارد و بخشی از هند بوده است.

- از نظر راهبردی، کشمیر برای امنیت هند از ابتدای تاریخ خیلی مهم بوده است. کشمیر تنها پنجره هند به جمهوری‌های آسیای مرکزی در شمال- افغانستان در غرب و چین در شرق می‌باشد.

- از نظر اقتصادی نیز منافع مردم این منطقه ایجاب می‌نماید که این ایالت به هند ملحق گردد.

- الحاق کشمیر به هند از طریق تصمیم مهاراجه به انجام چنین اقدامی بوده و این از اصولی است که در مورد الحاق ایالات به هند و یا پاکستان مراعات می‌شد.

## ها تحولات از سال ۱۹۷۲ تا بحران کارگیل

تحولات سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ در پاکستان شرقی و غربی و بالاخره جنگ دسامبر ۱۹۷۱ میان دو کشور هند و پاکستان منجر به جدایی پاکستان شرقی (استقلال بنگلادش) از کل پاکستان شد. موافقتنامه‌ی سیملا در سال ۱۹۷۲ میان دو کشور هند و پاکستان به امضا رسید و براساس آن تماس دو جانبه از جمله برای حل مسأله‌ی کشمیر مورد تأیید قرار گرفت ولی عملاً هیچ نتیجه‌ی مهمی در زمینه‌ی حل مشکل کشمیر بر پایه‌ی این توافق نیز در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به دست نیامد. مشکلات موجود در روابط دو کشور ادامه یافت تا موضوع جدیدی به نام مسأله‌ی فن‌آوری هسته‌یی نیز به عنوان مورد جدیدی در روابط این دو پدیدار گشت. برخوردهای دو طرف در رابطه با منطقه‌ی یخچالی سیاجین که به طور مستقیم مربوط به مسأله‌ی کشمیر می‌شد در دهه‌ی ۸۰ و مسأله‌ی پروژه‌ی دریاچه‌ی وولر<sup>۱</sup> نیز در همین دهه حساسیت‌های بیشتری را ایجاد کرد. به گفته‌ی پاکستانی‌ها در منطقه‌ی مرتفع یخچالی سیاجین خط آتش‌بس و بعداً خط کنترل به خوبی مشخص نشده است. شرایط آب و هوایی اجازه نداده است که هند و پاکستان برای تعیین خط مربوطه اقدام نمایند.<sup>(۱۲)</sup> در این منطقه در دهه‌ی ۸۰ چند بار درگیری‌های نسبتاً شدیدی میان دو طرف به وقوع پیوست.

پاکستان معتقد است که طبق اسنادی که موجود می‌باشد از جمله نقشه‌های جغرافیایی که به وسیله‌ی مؤسسات امریکایی و انگلیسی منتشر شده و موافقتنامه‌ی کراچی در سال ۱۹۴۹ و مقدمه‌ی موافقت مرزی پاکستان و چین (۱۹۶۳) کنترل این منطقه با این کشور بوده است.

علاوه بر آن مردم منطقه نه فقط پول رایج پاکستانی به کار می‌برند، بلکه به زبان بالتی که متعلق به بلتستان که بخشی از پاکستان می‌باشد نیز سخن می‌گویند. هند معتقد است از آنجا که مهاراجه‌ی کشمیر، الحاق این منطقه به هند را امضا نمود، مناطق شمالی که بخشی از ایالت جامو و کشمیر بوده در حوزه‌ی قدرت هند قرار می‌گیرد. تا اوایل دهه‌ی ۸۰ موضوع منطقه‌ی

1. Wuller

یخچالی سیاحتی مشکلی مهمی محسوب نمی‌شد. ولی در این دهه همان طور که گفته شد درگیری‌هایی میان دو طرف در این منطقه روی داد.

مشکل دیگری که از نظر پاکستانی‌ها در ارتباط با مسأله‌ی کشمیر طی این دو دهه روی داد، اجرای پروژه‌ی دریاچه‌ی وولر بر روی رودخانه‌ی جهلم بود که قرار بود توسط دولت هند ساخته شود. از نظر پاکستان اهمیت راهبردی این مورد به این دلیل بود که هند از طریق ذخیره‌ی آب می‌تواند تهدیدی برای زمین‌های کشاورزی در پنجاب باشد. به گفته‌ی پاکستان هزاران هکتار از زمین‌های کشاورزی این کشور به وسیله‌ی رودخانه‌ی جهلم و شعبه‌های آن سیراب می‌شوند. احداث چنین طرحی به هند این قدرت را می‌داد که هر زمان بخواهد جریان آب را قطع کند.

طبق نظر پاکستان سد مانگلا در پاکستان که به وسیله‌ی رودخانه‌ی جهلم آبیاری می‌شود، در صورت اجرای طرح وولر دچار خطر خواهد شد و علاوه بر آن داشتن ذخایر آبی در پشت سد مذکور به هند این اختیار را می‌دهد تا هر زمان که بخواهد به خصوص در دوران جنگ می‌تواند با سرازیر کردن آب به مناطق پست مشکلاتی برای پاکستان ایجاد نماید. علاوه بر آنچه گفته شد طی این دو دهه گروه‌های بیشتری در کشمیر به مبارزه علیه حکومت هند پرداختند. موضوع تقاضای استقلال برای کشمیر از طرف تعدادی از گروه‌ها در دو دهه‌ی اخیر بیش از گذشته مطرح می‌باشد. درگیری‌ها معمولاً در فصل گرم سال تشدید شده است.

(و) درگیری‌های دو ماهه‌ی اخیر (بحران کارگیل)

با پایان فصل زمستان ۱۹۹۹ نیز مانند گذشته درگیری‌هایی میان نیروهای هندی و گروه‌های مسلمان و مسلح در کشمیر انتظار می‌رفت ولی این درگیری‌ها تفاوت‌هایی با سال‌های گذشته داشت که از جمله می‌توان به وسعت درگیری‌ها، به حالت آماده باش درآمدن نیروهای مسلح در هر دو کشور هند و پاکستان، دخالت نیروی هوایی هند در درگیری‌ها که از سال ۱۹۷۱ به بعد در این گونه عملیات شرکت نداشت، استفاده‌ی گسترده از عملیات نظامی،

طولانی بودن عملیات به طور نسبی و تبلیغات گسترده و این که این وضعیت یک سال بعد از آزمایش‌های اتمی سال گذشته‌ی دو کشور به وجود آمد، اشاره نمود. دولت هند معتقد است که گروهی بیگانه‌ی مسلح که توسط ارتش پاکستان تعلیم و آموزش دیده‌اند و در میان آنها افراد پاکستانی نیز هست، با حمایت دولت پاکستان از خط کنترل گذشته و بخش‌هایی را در منطقه مرتفع کارگیل در بخش هندی خط کنترل به اشغال خود درآورده‌اند. مطبوعات هندی در چند ماهه‌ی قبل از درگیری مطالبی راجع به مقر آموزش مبارزان کشمیری منعکس کرده و بعضی معتقد بودند که نیروهای پاکستانی عده‌ی از این افراد را در مناطق بلتستان که به لحاظ موقعیت جغرافیایی مشابه مناطق شمالی کشمیر می‌باشد، آموزش می‌دهند. افراد یاد شده به طور عمده افغانی و از اهالی مناطق سردسیر بوده و استعداد جنگیدن در مناطق کوهستانی و سرد را دارند. هند عملیات گروه‌های مذکور را نوعی تجاوز به خاک خود تلقی کرده و از مهاجمین به عنوان مزدوران و تروریست‌های تحت حمایت پاکستان نام برده است. هند از پاکستان خواست تا ارتفاعات کارگیل را با وادار نمودن مجاهدین به ترک مواضع راهبردی تخلیه نماید. از سوی دیگر دولت پاکستان و رسانه‌های این کشور عملیات فوق را به عنوان قیام مردمی و مجاهدین کشمیری یاد کرده و مداخله‌ی پاکستان را رد و هند را متهم نموده که با تبلیغات سوء، سعی می‌کند نیروهای مسلح پاکستان را بدنام کند. پاکستان معتقد است که خط کنترل در کشمیر وضعیت مشخص ندارد ولی هند این امر نپذیرفت. پاکستان بارها بر این که این کشور خواهان حل مسأله‌ی کشمیر براساس مذاکرات با هند می‌باشد، تأکید کرده است. نکته‌ی قابل ذکر این که در مدت قریب به دو ماهی که درگیری میان نیروهای هندی و گروه‌هایی که منطقه‌ی کارگیل را به تسلط درآورده بودند، ادامه داشت و هر دو کشور براین امر تأکید داشتند که این درگیری‌ها به جنگ گسترده و کاملی میان آنها تبدیل نگردد. (۱۳) پاکستان تلاش نمود تا بلکه تشدید بحران در سطح بین‌المللی بیشتر مطرح گردد و به آن بعد بین‌المللی داده شود. وزیر امور خارجه‌ی پاکستان قبل از سفر به دهلی نو به چین سفر نمود و نواز شریف نخست وزیر پاکستان نیز شخصاً به چین رفت. وزیر امور خارجه‌ی پاکستان در جریان اجلاس

وزرای خارجه‌ی کشورهای اسلامی نیز موضوع را مطرح کرد. پاکستان به بعضی از کشورها نمایندگانی نیز اعزام نمود. برخلاف پاکستان هند نه تنها تمایلی به بین‌المللی شدن بحران کشمیر و مسأله‌ی اخیر آن نداشته و ندارد بلکه از تلاش‌های پاکستان در این زمینه تا حدی نگران نیز بود. هند میانجیگری طرف ثالث را نیز رد کرد. البته موضع امریکا و بیانیه‌ی گروه ۸ بیشتر خوش‌آیند هند بود و پاکستان چندان رضایتی از این مواضع نداشت. دبیرکل سازمان ملل نیز از تشدید بحران اظهار نگرانی نمود ولی سازمان ملل قطعنامه‌یی در این مورد صادر ننمود. سازمان ملل متحد از ابتدای مسأله‌ی کشمیر در جریان این موضوع بوده و قطعنامه‌های متعددی صادر نموده است. چین نیز موضع بی‌طرفی اتخاذ نمود. (چین نیز در رابطه با کشمیر با هند دارای مشکل است) به طور کلی اغلب کشورها و مجامع و سازمان‌های بین‌المللی از بروز درگیری‌ها در کشمیر اظهار نگرانی نموده و خواهان پی‌گیری مسایل و اختلاف‌های بین هند و پاکستان از طریق مذاکرات سیاسی و براساس قرارداد سیملا و اعلامیه‌ی لاهور شدند. نکته‌ی قابل توجه این که در تعدادی از این مواضع‌گیری‌ها بر احترام به خط کنترل که پاکستان معتقد بود وضع مشخصی ندارد، تأکید کردند. سازمان کنفرانس اسلامی نیز قطعنامه‌یی صادر نمود. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اظهار نگرانی خواهان خویش‌ن‌داری مقام‌های دو کشور و حل مسایل فی‌مابین از طریق مذاکرات دوجانبه گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هاکاهش شدت بحران کارگیل:

درگیری‌ها در منطقه‌ی کارگیل حدود دو ماه به طول انجامید. به دنبال سفر نخست وزیر پاکستان به امریکا و ملاقات با کلیتون بیانیه‌یی صادر شد که در بخشی از آن گفته شد رییس جمهوری امریکا و نخست وزیر پاکستان براین نکته توافق کردند که منازعه‌ی جاری در منطقه‌ی کارگیل در کشمیر خطرناک بوده و بذر درگیری‌های گسترده‌تری را می‌کارد. در اعلامیه هم چنین گفته شده که مذاکرات دوجانبه که در فوریه‌ی ۱۹۹۹ در لاهور شروع شد، بهترین زمینه برای حل تمام مشکلات موجود میان پاکستان و هند از جمله کشمیر می‌باشد. در بیانیه

آمده است که پاکستان موافقت نموده اقدام‌های اساسی جهت اعاده وضعیت خط کنترل که نیروهای پاکستان و هند را در کشمیر از هم جدا می‌سازد به عمل آید و رییس جمهوری امریکا پس از این که وضعیت قبلی خط کنترل در کشمیر کاملاً اعاده گردد، توجه شخصی خود را به تشویق جهت آغاز مجدد سریع و تشدید تلاش‌های دوجانبه میان هند و پاکستان مبذول خواهد داشت. یک هفته بعد از پایان سفر نخست وزیر پاکستان به امریکا، به تقاضای پاکستان خروج نیروهای کشمیری از منطقه کارگیل به تدریج آغاز شد در حالی که احزاب مخالف در پاکستان و تعدادی از احزاب کشمیری با موافقتنامه‌ی کلیتون - نواز شریف مخالفت نموده و بعضاً آن را نوعی خیانت دانسته و اعتراض‌هایی نسبت به آن به عمل آورده‌اند. (۱۴)

### بعضی از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد درباره‌ی مسأله‌ی کشمیر

۱. مشکل کشمیر در منطقه‌ی جنوب آسیا در سال‌های اولیه‌ی سازمان ملل متحد به وجود آمد. برای اولین بار هند در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۴۷ مسأله‌ی کشمیر را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع نمود و پاکستان را متهم به کمک بر این که هندی‌ها به نیروهای مهاجم به کشمیر که از مردم ایالت سرحد شمال غربی پاکستان بودند، نمود. شورای امنیت در ۲۰ ژانویه‌ی ۱۹۴۸ قطعنامه‌ی بی‌شماره‌ی ۶/۶۵۴ صادر نمود و کمیسیون و تحت عنوان کمیسیون سازمان ملل متحد برای هند و پاکستان<sup>۱</sup> تشکیل داد. این کمیسیون مرکب از سه عضو بود.

۲. در ۲۱ آوریل ۱۹۴۸ قطعنامه‌ی دیگری از طرف سازمان ملل متحد صادر شد که تعداد اعضای کمیسیون را از سه نفر به پنج نفر افزایش داد. وظایف اصلی این کمیسیون که قرار شد سریعاً کار خود را شروع کند عبارتند بود از:

- میانجیگری به منظور برقراری صلح میان هند و پاکستان از طریق اقدام‌های لازم
- برگزاری یک همه‌پرسی با همکاری هند و پاکستان

1. United Nation Cammission On India and Palicytan (UNCIP)

هیأت اعزامی کمیسیون مذکور در تاریخ ۷ ژوئیه‌ی ۱۹۴۸ وارد شبه قاره گردید و ناظران سازمان ملل متحد در کشمیر مستقر شدند تا موارد نقض آتش‌بس را گزارش نمایند. با توجه به این که هند و پاکستان در مورد نقش کمیسیون، هرکدام نظر خاص خود را داشتند، لذا این کمیسیون در عمل با مشکلاتی روبه‌رو گردید.

۳. در تاریخ ۱۳ آگوست ۱۹۴۸ (بعد از پایان جنگ اول هند و پاکستان) کمیسیون سازمان ملل متحد برای هند و پاکستان قطعنامه‌ی دیگری صادر نمود. در این قطعنامه اصول و مقررات مربوط به برقراری آتش‌بس تنظیم و در ضمن براین نکته نیز تأکید شده بود که آینده‌ی ایالت جامو و کشمیر طبق آمال مردم کشمیر بعد از اجرای آتش‌بس و موافقتنامه‌های مربوط به متارکه‌ی درگیری در ایالت، تعیین خواهد شد.

۴. در ۵ ژانویه‌ی ۱۹۴۹ قطعنامه‌ی دیگری توسط کمیسیون سازمان ملل متحد برای هند و پاکستان صادر گردید که برانجام همه‌پرسی تأکید کرد.

۵. در ماه دسامبر ۱۹۴۹ در شورای امنیت تصمیم گرفته شد که ژنرال مک نوگ تون<sup>۱</sup> کانادایی که ریاست شورا را بر عهده داشت، به طور مستقیم میان هیأت نمایندگی هند و پاکستان در سازمان ملل میانجیگری نماید؛ هند آن را رد کرد. به نظر هند طرحی که از طرف ژنرال کانادایی ارائه شده بود، می‌توانست تلاشی در جهت مشروعیت دادن به عمل پاکستان باشد. (۱۵)

۶. در ۱۴ مارس ۱۹۵۰ شورای امنیت طی قطعنامه‌ی کمیسیون سازمان ملل متحد برای هند و پاکستان را منحل و به جای آن نماینده‌ی جهت کمک به غیرنظامی کردن امر تعیین نمود. (۱۶)

۷. در آوریل ۱۹۵۰ اون دیکسون<sup>۲</sup> یک قاضی استرالیایی به عنوان نماینده‌ی سازمان ملل متحد برای هند و پاکستان معین شد. وی بعد از انجام مذاکراتی با مسؤولان هند و

---

1. A.G.L. Naughton

2. Sir Owen Dixon

پاکستان گزارش خود را در سپتامبر ۱۹۵۰ به سازمان ملل متحد ارائه نمود. نامبرده پیشنهاد کرد که برگزاری همه‌پرسی به شکل مورد نظر فعلی نمی‌تواند اساس یک راه حل بین هند و پاکستان باشد. نامبرده ملاقاتی میان نهرو نخست وزیر وقت هند و لیاقت علی خان نخست وزیر وقت پاکستان در ژوئیه‌ی ۱۹۵۰ ترتیب داد. وی پیشنهاد برگزاری همه‌پرسی منطقه‌یی به این مفهوم که همه‌پرسی باید در مناطق معینی صورت گیرد را مطرح کرد ولی اقدام‌های وی نیز به جایی نرسید.

۸. در ۳۰ مارس ۱۹۵۱ شورای امنیت قطعنامه‌ی دیگری تصویب نمود که براساس آن هر اقدامی که از طرف مجلس قانونگذاری کشمیر در رابطه با الحاق کشمیر در آینده پیشنهاد شود، غیر نافذ خواهد بود و اگر طرفین نتوانند با نماینده‌ی جدید سازمان ملل به توافق دست یابند باید در مورد اختلاف‌هایی که توسط نماینده‌ی سازمان ملل گزارش می‌نماید حکمیت را بپذیرند. هند این قطعنامه را رد کرد و پاکستان آن را پذیرفت.

۹. در آوریل سال ۱۹۵۱ دکتر فرانک گراهام<sup>۱</sup> یک سناتور سابق امریکایی از ایالت کارولینای شمالی به عنوان نماینده‌ی سازمان ملل متحد جانشین دیکسون شد. مشارالیه بین سال‌های ۵۳-۱۹۵۱ پنج گزارش به سازمان ملل ارائه نمود ولی به هرحال توفیقی در حل مشکل به دست نماند.

۱۰. در سال ۱۹۵۷ شورای امنیت سازمان ملل پیشنهاد نمود که گوناریارینگ<sup>۲</sup> سوئدی که ریاست شورا با او بود، تلاش جدیدی برای حل مشکل کشمیر بنماید، او نیز گزارش خود را در ۲۹ آوریل ۱۹۵۷ به شورا ارائه کرد. در این زمان وزیر امور خارجه‌ی پاکستان ملک فیروزخان اعلام کرد که پاکستان آماده است، سربازان خود را خارج کند اگر به جای آنها نیروی سازمان ملل متحد مستقر گردد. هند این پیشنهاد را رد کرد و شوروی نیز آن را وتو نمود. علاوه بر قطعنامه‌های مذکور در دهه‌های بعد نیز قطعنامه‌هایی از طرف سازمان ملل

---

1. Frank. Graham

2. Gunnar Jarring



متحد در مورد کشمیر صادر شده است ولی تاکنون برنامه‌ی همه‌پرسی به مرحله‌ی اجرا در نیامده است. پاکستان، هند را مسؤول این امر می‌داند و هند نیز می‌گوید اصرار پاکستان به حذف نفوذ شیخ عبدالله در کشمیر و پیشنهاد جانشینی نیروهای سازمان ملل متحد به جای نیروهای هندی باعث شد تا این برنامه به مرحله‌ی اجرا در نیاید. (۱۷)

### طرح‌ها و نظرات مربوط به آینده‌ی کشمیر

همان طور که قبلاً گفته شد در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد موضوع برگزاری یک همه‌پرسی برای تعیین آینده‌ی کشمیر مطرح بوده است، متهمی در طرح همه‌پرسی موضوع الحاق ایالت جامو و کشمیر به هند و یا پاکستان نیز مطرح بوده است و این قطعنامه‌ها به دلایلی که گفته شد تاکنون به مرحله‌ی عمل در نیامده است و با توجه به تغییراتی که در منطقه، طی پنجاه سال اخیر صورت گرفته، بعید است که این طرح بعد از این به صورتی که ارزیابی شده بود، بتواند به مرحله‌ی عمل درآید.

در موافقتنامه‌ی سیملا که در سال ۱۹۷۲ بعد از پایان جنگ هند و پاکستان در دسامبر ۱۹۷۱ بین دو طرف به امضا رسید نیز بر انجام مذاکرات دوجانبه از جمله برای حل مشکل کشمیر نیز تأکید شده است. علاوه بر آن در اعلامیه‌ی لاهور که چندی پیش در پایان سفر نخست وزیر هند به پاکستان صادر شد نیز به مسأله‌ی کشمیر و تلاش دو طرف برای حل آن اشاره شده است. نکته‌ی قابل ذکر این که اگرچه در پیشنهاد همه‌پرسی سازمان ملل نیز نقش مردم کشمیر مدنظر بوده ولی امروزه این نقش به مراتب از گذشته ملموس‌تر می‌باشد و در هر راه حلی که در آینده مدنظر باشد نیز نقش مردم مهم‌تر خواهد بود. امروزه گروه‌های متعدد کشمیری تشکیل شده است.

بعضی از این گروه‌ها اگرچه معتقد به الحاق به پاکستان می‌باشند ولی گروه‌هایی نیز هستند که خواهان استقلال کشمیر می‌باشند. به طور کلی علاوه بر طرح همه‌پرسی قبلی نظراتی را که در رابطه با آینده‌ی کشمیر بعضی مواقع مطرح می‌شود را می‌توان فهرست‌وار به

این به شرح بر شمرد:

- استقلال کشمیر که فرضاً می‌تواند به یکی از صورت‌های زیر باشد. (۱۸)

۱. با توافق هند و پاکستان وضعیت ایالت جامو و کشمیر به صورت قبل از سال ۱۹۴۷ درآمده و به صورت کشور مستقلی مطرح گردد.

۲. ایالت جامو و کشمیر تحت نظارت یک ارگان بین‌المللی به صورت کشور مستقلی اداره شود.

۳. ایالت جامو و کشمیر به صورت مستقل و بخشی از یک کنفدراسیون که در شبه قاره‌ی فرضاً تشکیل شود در آید.

طرح‌هایی که گفته شد تاکنون مورد تأیید هند و پاکستان قرار نگرفته و بررسی نشده است. تشکیل کنفدراسیون با شرکت هند- پاکستان و کشورهای دیگر جنوب آسیا نیز با توجه به دیدگاه‌های پاکستانی‌ها و کشورهای کوچک‌تر شبه قاره نسبت به هند نیز به آسانی ممکن نیست. جو عدم اعتماد در شبه قاره، مشکل مهمی در میان کشورهای این منطقه می‌باشد.

علاوه بر طرح استقلال کشمیر که از طرف تعدادی از گروه‌های کشمیری مطرح می‌باشد، موضوع تقسیم ایالت جامو و کشمیر به صورتی که اکنون وجود دارد نیز نظر دیگری است که مطرح می‌شود. طبق این نظریه، خط کنترل که در سال ۱۹۷۲ براساس موافقتنامه‌ی سیملا در کشمیر بین هند و پاکستان تعیین شد (این خط به جای خط کنترل آتش‌بس بود که در سال ۱۹۴۸ بین دو کشور تعیین شده بود) مرز رسمی دو کشور هند و پاکستان انتخاب

گردد و ایالت جامو و کشمیر بین دو کشور فوق تقسیم گردد. این نظریه نیز به طور رسمی از طرف دو کشور مذکور و یا گروه‌های کشمیری مطرح و یا تأیید نشده است و مشکل هم‌چنان به قوت خود باقی است.

## کتاب‌شناسی

1. Kashmir and South Asian Security A Friend Publication First Published in Pakistan, 1992, p. 79.
2. The J & K Problem An Interpretative Study, Published 1996 Forum For Strategic & Security Studies New Delhi India, p. 9.
3. Kashmir and South Asian, Op. Cit., p. 100.
4. Ibid., p. 100
5. Ibid., p. 101
6. Ibid., p. 101
7. Ibid., p. 45
8. Ibid., p. 47
9. Ibid., p. 47
10. Ibid., p. 47
11. Confrontation with Pakistan By Lt Gen. B.M KAul in Defence Journal , Vol. V, No. 9, 1979, pp. 25-50.
12. Kashmir and South Asian, Op. Cit., p. 50.
13. خبرگزاری APP، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۸
14. روزنامه‌های پاکستان، تیرماه ۱۳۷۸
15. The J&K Problem in International Study Forum For Strategic & Security Studies Published Feb 1996, New Delhi India , p. 7.
16. Kashmir and South Asia, Op. Cit. , p. 117.
17. The J&K Problem, Op. Cit. , p. 8.
18. Ibid., p. 21.



پڙهه ښکاره علوم انساني و مطالعات فرهنجی  
پرتال جامع علوم انسانی